

## انجیل پادشاهی خدا (۴)

### شناخت مجوسیان (متی ۲: ۱-۳)

در جلسات گذشته دیدیم که متی چطور با الهام روح القدس، خبرخوش یا مژده اش را در ابتدای انجیلش با شرح و بیژگی های منحصر بفرد، انسانی و الهی پادشاهی خدا، در شجره نامه مسیح و تولد از مریم باکره آغاز می کند.

امروز، در ادامه پیام انجیل پادشاهی خدا، می خواهیم از متی ۲: ۱-۳ به معرفی مجوسیانی بپردازیم که از مشرق زمین برای ملاقات و پرستش عیسی مسیح پادشاه یهود آمده بودند.

متی ۲: ۱-۳ و چون عیسی در ایام هیروودیس پادشاه در بیت لحم یهودیه تولد یافت، ناگاه مجوسی چند، از مشرق به اورشلیم آمده، گفتند، کجاست آن مولود، که پادشاه یهود است زیرا که ستاره او را در مشرق دیده ایم و برای پرستش او آمده ایم؟ اما هیروودیس پادشاه چون این را شنید، مضطرب شد و تمام اورشلیم با وی. (ترجمه کلاسیک)

سوالی که در اینجا می خواهیم به آن پاسخ بدیم اینه که، این مجوسیان چه کسانی بودند و چرا متی به آنها اشاره کرده است.

اطلاعات بعضی در رابطه با مجوسیان، به عکسها و یا قصه هایی که در روزهای کریسمس برای کودکان تعریف می کنند، محدود است.

به همین دلیل، به تصور آنها، مجوسیان سه پادشاه بودند که سوار بر شتر وارد اورشلیم شدند.

گفته شده که آنها مسیح را در آخور خوابیده دیدند.

جای دیگر گفته شده که آنها نماینده سه خانواده سام و حام و یافت بودند به همین خاطر یکی از آنها را بصورت شخصی از اهل اتیوپی نقاشی می کنند.

بعضی نامهایشان را هم مشخص کرده اند و آنها را بالتازار، ملتی یور و گسپار **Melchoir** و **Belthizar, Caspar** نامیدند.

حتی استخوانهای آنها را اسقفی بنام **Rinald** از شهر کلون، در قرن دوازدهم پیدا می کند، که الان در آن شهر، در بزرگترین کلیسای قصری ایی که در شمال اروپاست، نگهداری می شوند.

تنها اطلاعاتی که در انجیل متی از این مجوسیان بما داده شده، اینست که آنها "چند مجوسی از مشرق زمین بودند." همین و بس. متی اطلاعات بیشتری بما نمیده. نه از نام و از تعدادشان.

اما اطلاعات جالبی از مجوسیان در کتب عهدعتیق و کتب تاریخی مورخانی چون **Herodotus**، وجود دارد که امروز به مطالعه ما در شناخت هر بهتر این مجوسیان و هدف آنان در جستجو و ملاقات مسیح کمک می کند.

پس برای درک بهتر واقعه باب ۲ انجیل متی به تاریخ مراجعه می کنیم.

### شناخت مجوسیان

از کتب تاریخی در می یابیم که، مجوسیان گروهی از راهبان شرقی از نسل مادها بودند و در ۴ امپراطوری بزرگ تاریخ، حضور فعالی داشته اند.

۱) امپراطوری بابل، واقع در شرق اسرائیل امروزی است.

۲) امپراطوری مادها و پارسها: که دانیال نبی از آن سخن میگوید. (اختلاطی از هر دو قوم مادها و ایرانیها).

۳) امپراطوری یونان: که توسط اسکندر کبیر به پیروزی رسید.

۴) امپراطوری روم:

تاریخ ایرانیان و مادها حتی به دوران امپراطوری بابلیها نیز می رسد.

اسناد تاریخی ای وجود دارد که ردّ مجوسیان را تا دوران مهاجرت ابراهیم از اور کلدانیان (پیدایش باب ۱۲) نشان می دهند،

و قطعاً این مجوسیان را می توان در امپراطوری بابل نیز دید چون در کتاب دانیال به آنها اشاراتی شده.

بنابراین مجوسیان متعلق به دوران امپراطوری فارس بودند که در دوران امپراطوری یونان و روم یعنی هم دوره با تولد عیسی مسیح نیز حضور داشتند. پس قوم بسیار قدیمی و باستانی بودند.

## نام مجوسی

واژه یونانی magos, magoi, magi که در انگلیسی مَجای و فارسی مجوسی یا مُغان ترجمه شده، نام قبیله ای در دوران باستان بود و ترجمه ای نمی توان برای آن در نظر گرفت.

## مشخصات آنان

مجوسیان نسلی از راهبان قوم مادها بودند.

بخشی از حرفه و مهارت اکثر این مردم باستان، نجوم و ستاره شناسی بود.

آنها به گونه ای با فلسفه اسرار آمیز مشغول بودند و از این طریق به پیش گویی می پرداختند.

در طول تاریخ کلمه magi به اشتباه به magic (جادو) یا magician (جادوگر) تبدیل شد، به همین دلیل امروزه، بعضی آنها را به طالع بینان یا فالگیران می شناسند.

اما حقیقت این است که مجوسیان در اصل کاهنان ماد و فارس با سابقه تاریخی بسیاری بودند.

در دوران باستان، علم و خرافات، عبارتی علم نجوم یا ستاره شناسی با خرافات طالع بینی، با هم آمیخته بود.

## مقدمه تاریخی بر چهار امپراطوری

نبوکدنصر پادشاه بابل، اسرائیل را به اسارت برد و مجوسیان که در آن زمان بدلیل برخوردار بودن از حکمت، طالع بینی، قابلیت درک اسرار و غیره بودند، تبدیل به اشخاص بسیار بانفوذ و بالا مرتبه ای در امپراطوری بابل شدند.

در نتیجه آنها از نبوتهایی که در رابطه با ظهور مسیح یا ماشیح در عهدعتیق شده بود نیز آگاهی کامل داشتند.

## خدمت مجوسیان

مطابق با گفته‌ی آقای Herodotus تاریخدان باستان، مجوسیان درست مثل لویان در اسرائیل، یک سلسله کاهانت از بت پرستان قوم ماد بودند که کهانتشان را نسل به نسل منتقل می کردند.

نکته جالب در اینجا شباهت بین این دو گروه مذهبی، یعنی مجوسیان و لویان است.

بعنوان مثال، از ۱۲ قبیله اسرائیل، یکی از آنها بنام لویان به خدمت کهانت مشغول بود. آنها مسئولیت برگزاری تشریفات مذهبی و اعیاد در معبد یهود را به عهده داشتند.

مادهای بت پرست هم برای خدمت کهانت و انجام مراسم و تشریفات مذهبی‌شان، قبیله ای را وقف کردند و آنان را مجوسی نامیدند (که ترجمه ای برای آن نیست). پس مجوسیان نسلاً "کاهن بودند.

## برجستگی مجوسیان

مجوسیان در امپراطوریهای بابل، فارس، یونان و روم افراد برجسته ای بودند و در طول تمام این امپراطوریها در شرق جایگاه برجسته ای را به خود اختصاص دادند.

بطوریکه در زمان امپراطوری یونان و روم مجوسیان پستهای دولتی مهمی را در شرق کسب کرده بودند و بدلیل اطلاعات نجومی و ستاره شناسی (طالع بینی) که داشتند همیشه با قدرت عظیم سیاسی ظاهر می شدند.

حتی در امپراطوری روم در مقام مشاورین خدمت می کردند برای همین هم به آنان Wise Men یا افراد حکیم لقب داده اند.

پس تا اینجا دریافتیم که مجوسیان مشاورین حکام و سلاطین بودند.

حال بیائید نگاهی به مذهب آنها بیاندازیم.

## مذهب مجوسیان

مجوسیان یکتا پرست بودند و از این لحاظ به قوم اسرائیل شباهت داشتند.

آتش یکی از عناصر اصلی در پرستش آنها بود. مجوسیان به گونه ای آتش را یا می پرستیدند یا احترام می کردند.

آنها آتشکده ای داشتند که دائم روشن بود، و کمی بالاتر از آن در کنارش، مذبح دیگری داشتند که بر روی آن قربانی می گذراندند.

گوشت قربانی با مذبح دیگر پخته و توسط کاهن و پرستنده خورده می شد.

این نحوه پرستش درست مانند یهودیان عهدعتیق است.

بنابراین مجوسیان نه تنها از لحاظ برگزاری مراسم قربانی، بلکه کهانت، یکتا پرستی، اوریم و توبیم (البته آنها از میله استفاده میکردند)، حیوانات حرام گوشت و جزئیات دیگر، مذهبی به شباهت یهودیت، البته با خدای متفاوت از خدای حقیقی، تدوین کرده بودند.

در امپراطوری بابل این مذهب رشد کرد و دارای امتیازات زیادی شد.

در ارمیا ۳:۳۹ و ۱۳ شخصی بنام نَرْجَل شَرَأْصَرُ را میبینیم که در دربار نبوکدنصر رئیس مجوسیان بود.

همانطور که گفته شد، مجوسیان سالها قبل از نبوکدنصر از میان مدها شکل گرفته بودند، اما در حکومت پادشاهان شرقی در جایگاه مشاورین رسمی پادشاه هان، ارتقا یافته، انجام وظیفه می کردند.

بنابراین، بسیار افراد با نفوذ و قدرتمندی بودند.

حتی پس از سقوط امپراطوری بابل و روی کار آمدن امپراطوری فارس تحت حاکمیت کورش کبیر شاهد حضور مجوسیان در پستهای بالای درباری هستیم.

پس می توان آنها از لحاظ سیاسی، بی رغیب دانست.

## مجوسیان در کتاب دانیال

در کتاب دانیال ۱۰:۲ میخوانیم که

دانیال ۱۰:۲ کلدانیان به حضور پادشاه جواب داده، گفتند، که «کسی بر روی زمین نیست که مطلب پادشاه را بیان تواند نمود، لهذا هیچ پادشاه یا حاکم یا سلطانی نیست که چنین امری را از هر مجوسی یا جادوگر یا کلدانی بپرسد. (ترجمه کلاسیک)

ترجمه تفسیری: حکیمان در جواب پادشاه گفتند: «در تمام دنیا کسی پیدا نمی شود که بتواند این خواسته پادشاه را انجام دهد. تابحال هیچ پادشاه یا حاکمی، از منجمان و جادوگران و طالع بینان خود، چنین چیزی نخواست است.

در این آیه عبارات، کلدانیان، مجوسیان، منجمان، جادوگران و طالع بینان همه در اشاره به یک گروه مجوسیان است. یکی از مسئولیتهای این گروه مجوسیان در دربار پادشاه، تعبیر خواب بود.

اما در دانیال ۷:۴ چنین می گوید:

دانیال ۷:۴ وقتی همه منجمان، جادوگران، فالگیران و طالعبینان آمدند، من خوابم را برای ایشان تعریف کردم، اما آنها نتوانستند آن را تعبیر کنند. (ترجمه تفسیری)

در آیه ۹ همین باب (دانیال ۴) بلطشصر رئیس حکیمان یا مجوسیان را می بینیم. منظور من اینست که متوجه حضور مجوسیان در سراسر این کتاب باشیم. حالا ادامه می دیم تا به یک نکته جالب دیگر برسیم. دانیال ۱۱:۵ و ۱۲

دانیال ۱۱:۵-۱۲ در مملکت تو مردی وجود دارد که روح خدایان مقدس در اوست. در زمان جدت، نبوکدنصر، او نشان داد که از بصیرت و دانایی و حکمت خدایی برخوردار است و جدت او را به ریاست منجمان و جادوگران و طالع بینان و رمالان منصوب کرد. این شخص دانیال است که پادشاه او را بلطشصر نامیده بود. او را احضار کن، زیرا او مرد حکیم و دانایی است و می تواند خوابها را تعبیر کند، اسرار را کشف نماید و مسایل دشوار را حل کند. او معنی نوشته روی دیوار را به تو خواهد گفت.»

دانیال در اینجا همان بلطشصر رئیس مجوسیان است. حال می توانیم نتیجه بگیریم که بودن دانیال در آن مقام، تاثیر زیادی در معرفی نبوتهای عهدعتیق به مجوسیان بود.

## تاثیر دانیال و یهودیان بر مجوسیان

دانیال شخص خداترس و خداپرستی بود. مجوسیان بخوبی با ایمان و خداترسی و خداپرستی دانیال واقف بودند چون بخاطر همین در چاه شیران افتاد.

بدون شک دانیال و همراهان دیگر یهودی، مردم را از محتوای کلام خدا آگاه کردند و حتی نسخه هایی از آنها نیز بین مردم توزیع کردند.

پس از روی کار آمدن کورش کبیر و صدور فرمان آزادی یهودیان برای بازگشت به سرزمینشان، بسیاری از یهودیان در آن سرزمین باقی ماندند، با دخترانشان ازدواج کردند و حتی در رده های بالای درباری موقعیتهای خود را حفظ کردند.

بنابراین دانیال نقش مهمی در انتقال عقاید و نبوت‌های یهودی به مجوسیان بود.

ممکن است سوال شود اگر مجوسیان دانیال را قبول داشتند چرا علیه او توطئه چیدند؟ پاسخ این است که توطئه علیه دانیال از طرف مجوسیان نبود بلکه بخاطر حسادت بود که یکی از استانداران نسبت به دانیال داشت و ربطی به کارکنان دربار نداشته (این مطلب در باب ۶ دانیال شرح داده شده).

نتیجه اینکه دانیال بسیار مورد احترام و قبول دربار پادشاهی آن زمان بود، آنقدر که خود پادشاه به دانیال چنین میگوید:

دانیال ۱۷:۶ پس پادشاه امر فرمود تا دانیال را بیاورند و او را در چاه شیران بیاندازند؛ و پادشاه دانیال را خطاب کرده گفت: «خدای تو که او را پیوسته عبادت می نمایی تو را رهایی خواهد داد.

پادشاه از شهادت‌های دانیال به این نتیجه رسیده بود.

بنابراین، ایمان و اقتدار دانیال، ازدواجهای چند ملیتی (بعضی یهودیان با فارسها و بابلیها) و فرهنگ غنی یهود، از جهات مختلف تأثیرات به سزایی بر مجوسیانی که در دربار پادشاهان دارای موقعیت و قدرت والایی بودند، داشته است.

## زرتشتیان

در قرن ششم قبل از میلاد مسیح، داریوش کبیر در امپراطوری مادها و پارسها پادشاه فارس بود.

این درست همزمان با دانیال نبی است. داریوش کبیر تصمیم گرفت که مذهب زرتشت را بعنوان مذهب ملی کشور تعیین کند. طالع بینی نیز در دین زرتشت بسیار استفاده می شد. بسیاری از مجوسیان نیز برای حفظ موقعیت و رتبه خود به این دین گرویدند.

البته در بین آنان کسانی بودند که خدای دانیال را خدای حقیقی میدانستند.

از اینجاست که مجوسیان از لحاظ اعتقادی منشعب شدند.

برخی به دین زرتشت گرویدند و گروهی هم مذهب باستانی خود را حفظ کردند، اما در میان آنان حقجویانی مثل مجوسیانی که در جستجوی عیسی مسیح، پادشاه یهود، به اورشلیم آمدند، بودند.

## قدرت مجوسیان و نقش آنان در دوران ایران باستان

بعدها نفوذ و قدرت مجوسیان در امپراطوری فارس باعث شد تا دو شرط برای واجد شرایط بودن پادشاهان تعیین گردد.

شرط اول اینکه پادشاهان می بایست در انطباق و علوم مجوسیان مهارت داشته باشند و

شرط دوم اینکه تأیید و تاجگذاری آنان باید توسط مجوسیان انجام می شد.

به همین دلیل در استر ۱:۱۴ از حکمت مجوسیان بعنوان قوانین و نظام دادگستری پارس و در دانیال ۶:۹ و ۱۵ تحت عنوان، شریعت یا قانون مادیان و فارسیان، یاد شده است.

این قوانین را مجوسیان تنظیم می کردند، و در مشرق زمین، هر شخصی که می خواست بر تخت پادشاهی بنشیند باید این احکام و شریعت را بخوبی می آموخت.

از تاریخ می فهمیم که مجوسیان کلیه پستهای حقوقی را در دست داشتند.

باید در نظر داشته باشیم وقتی از امپراطوریهای بابل و پارس صحبت می کنیم، در واقع سخن از حاکمیت شرق است.

مجوسیان علاوه بر تربیت پادشاهان، تعلیم و تربیت قضات و داوران را نیز بعهده داشتند.

آنها همچنین روشهایی برای ارزیابی عملکردهای حکام، تدوین کرده بودند تا بتوانند، عدالت قضات را در منطقه برقرار کنند، و از رشد ظلم و استبداد در دستگاههای حکومتی جلوگیری نمایند.

در تاریخ می خوانیم که مجوسیان با علوم ستاره شناسی، ریاضیات، تاریخ طبیعی، کشاورزی و معماری بخوبی آشنایی داشتند.

در اعمال ۷:۲۲ میخوانیم که "موسی تمام علوم و حکمت مصر را فرا گرفت تا جایی که شاهزاده ای با نفوذ و ناطقی برجسته شد."

بطور کلی در شرق هر اشراف زاده ای باید در احکام و شریعت فارس و ماد که توسط مجوسیان آموزش داده می شد و تربیت می یافت.

پس، در آن زمان مجوسیان مسئول تربیت و انتصاب پادشاهان و قضات بودند، و هیچ پادشاه یا حاکمی بدون دخالت و تأیید آنان بر مسند حکومتی نمی نشست.

حال بیائید به دوران مسیح برگردیم.

## غیریهودیان حقجو و خدا ترس

به متی باب ۲ نگاهی بیاندازیم.

سالها و قرنهای می گذرد تا اینکه به تولد مسیح نزدیک می شود.

در طول تاریخ بسیاری از مجوسیان به انحراف کشیده شدند.

کمی بعد به چند نمونه از آنان که در عهدجدید از آنان نامبرده شده، اشاره می کنیم.

اما، مثل کرنلیوس که یک شخص غیریهودی خداترس بود، خدا بنحوی گروهی از مجوسیان حقجو را تا آن زمان حفظ می کند.

این مجوسیان خدا ترس، هنوز در مشرق زمین، افراد با نفوذ و قدرتمندی بودند که انتظار تحقق وعده خدا را می کشیدند.

حکومت روم از امپراطوری شرق ترس داشت.

حال اگر نقشه اروپای امروزی را در ذهن خود تصویر کنید، تقریباً محدوده امپراطوری روم در آن زمان را خواهید دید.

اما، محدوده بسته مسیر کنار دریای مدیترانه تا آنطرف صحرای سوزان، همیشه باعث نگرانی امپراطوری روم بود.

زمانی آن منطقه متعلق به امپراطوری پارتیان یعنی مادها و پارسها بود و هنوز هم برای امپراطوری روم تحدید بحساب می‌آمد.

روم از هر جهت در جهان قدرت خود را گسترش داده بود، اما هیچگاه در مقابل امپراطوری پارتها خود را امن نمی‌دید.

آنها با هم دشمنی شدیدی داشتند و در سالهای ۵۵ و ۴۰ قبل از میلاد بین آنان جنگهایی در گرفت.

میدان جنگ آنها در کنار دریای مدیترانه یعنی سرزمینهای سوریه، اردن و فلسطین بود.

به همین دلیل در متی ۲:۳ می‌خوانیم که هیروودیس از ملاقات مجوسیان و شنیدن پیام آنان "سخت مضطرب شد و تمام اورشلیم با وی".

بله هیروودیس با شنیدن ورود مجوسیانی که پادشاهان پارس را تربیت و تعیین می‌کردند، به اورشلیم، بسیار نگران و مضطرب شد.

در اینجا باید پرائتزی باز کنم، و قدری در مورد وضعیت مجوسیان در دوران مسیح توضیحاتی بدم.

### وضعیت مجوسیان در زمان مسیح

مجوسیان هم مثل هر گروه اجتماعی به دو گروه تقسیم شده بودند.

گروه اول، مجوسیانی بودند که علوم و استعداد خود را با حکمت و قدرت بکار می‌گرفتند ولی گروه دیگر منحرفینی بودند که علوم و قابلیت خود را در راه کاسبی استفاده می‌کردند.

هر دو گروه، در دوران مسیح حضور داشتند.

بیائید از کلام خدا به چند تا از این منحرفین نگاهی بیاندازیم.

اعمال ۴:۸ اما فیلیپس به بلدی از سامره در آمده، ایشان را به مسیح موعظه می‌نمود. و مردم به یکدل به سخنان فیلیپس گوش دادند، چون معجزاتی را که از او صادر می‌گشت، می‌شنیدند و می‌دیدند، زیرا که ارواح پلید از بسیاری که داشتند نعره زده، بیرون می‌شدند و مفلوجان و لنگان بسیار شفا می‌یافتند. و شادی عظیم در آن شهر روی نمود. اما مردی شمعون نام قبل از آن، در آن قریه بود که جادوگری می‌نمود و اهل سامره را متحیر می‌ساخت و خود را شخصی بزرگ می‌نمود، بحدی که خرد و بزرگ گوش داده، می‌گفتند: «این است قوت عظیم خدا.» و بدو گوش دادند از آنرو که مدت مدیدی بود از جادوگری او متحیر می‌شدند. و شمعون نیز خود ایمان آورد و چون تعمید یافت همواره با فیلیپس می‌بود و از دیدن آیات و قوت عظیمه که از او ظاهر می‌شد، در حیرت افتاد. اما شمعون چون دید که محض گذاردن دستهای رسولان روح القدس عطا می‌شود، مبلغی پیش ایشان آورده، گفت: «مرا نیز قدرت دهید که به هر کس دست گذارم، روح القدس را بیابد.» پطرس بدو گفت: «زرت با تو هلاک باد، چونکه پنداشتی که عطای خدا به زر حاصل می‌شود. تو را در این امر، قسمت و بهره ای نیست زیرا که دلت در حضور خدا راست نمی‌باشد. پس از این شرارت خود توبه کن و از خدا درخواست کن تا شاید این فکر دلت آمرزیده شود، زیرا که تو را می‌بینم در زهره

تلخ و قید شرارت گرفتاری.» شمعون در جواب گفت: «شما برای من به خداوند دعا کنید تا چیزی از آنچه گفتید بر من عارض نشود.»

و در اعمال ۶:۱۳ نیز مجوسی دیگری را میبینیم که استعداد خود را به گمراهی کشانده بود. این اولین سفر بشارتی پولس و برناباست.

اعمال ۶:۱۳ در آن جزیره، شهر به شهر گشتند و پیغام خدا را به مردم رساندند تا اینکه به شهر پافس رسیدند. در پافس به یک جادوگر یهودی برخوردند به نام باریشوع که ادعای پیغمبری می کرد و با «سرحیوس پولس» که فرماندار رومی قبرس و شخصی برجسته و دانا بود، طرح دوستی ریخته بود. فرماندار، برنابا و پولس را بحضور خود احضار کرد، چون می خواست پیغام خدا را از زبان آنان بشنود. ولی آن جادوگر که نام یونانی او آلیما (الیمای مجوسی) بود، مزاحم می شد و نمی گذاشت فرماندار به پیغام برنابا و پولس گوش دهد و سعی می کرد نگذارد به خداوند ایمان بیاورد. آنگاه پولس که سرشار از روح القدس بود، نگاه غضب آلودی به آن جادوگر انداخت و گفت: «ای فرزند شیطان، ای حيله گر بد ذات، ای دشمن تمام خوبیها، آیا از مخالفت کردن با خدا دست برنمی داری؟ حال که چنین است، خدا تو را چنان می زند که تا مدتی کور شوی!» چشمان الیما فوری تیره و تار شد. او کورکورانه به اینسو و آنسو می رفت و التماس می کرد یکنفر دست او را بگیرد و راه را به او نشان دهد. وقتی فرماندار این را دید از قدرت پیام خدا متحیر شد و ایمان آورد.

پس می بینیم که چطور هر دوی این اشخاص یعنی شمعون و الیمای مجوسی استعداد خود را به شیطان سپرده بودند.

بنابراین در زمان مسیح، مجوسیان به دو گروه، حقجو و بی ایمان تقسیم شده بودند.

در هر حال، مجوسیان حتی در زمان مسیح، هنوز صاحب نفوذ و قدرت بودند.

## چرا مجوسیان بدنبال پادشاه یهود بودند؟

در زمان مسیح، در امپراطوری شرق به مجلسی که مکان تشکیل جسات نمایندگان دولت بود Megastone گفته می شد.

یکی از وظائف این شورا انتخاب و انتصاب پادشاه بود. جالب اینجاست که تعداد زیادی مجوسی عضو این شورا بودند.

نکته اینجاست که امپراطوری شرق در رابطه با پادشاه وقت خود مشکل داشت و نمایندگان بدنبال شخص مناسبی می گشتند که بتواند از عهده جنگ با روم برآید.

گویا فرهاد چهارم در آنزمان در مشرق زمین، زمام امور را در دست داشت.

حالا فکرش را بکنید که این مجوسیان بانفوذ و سرشناس، با لباسهای فاخر بلند و کلاههای مخروطی که در بر داشتند،

و احتمالاً سوار بر اسبهای پارسی، و نه شتر، وارد اورشلیم می شوند و بدنبال طفلی که قرار است پادشاه یهود باشد می گردند تا از او تجلیل کنند.

متی ۲:۲ بما میگوید که مجوسیان اینگونه سوال خود را مطرح کردند که:

متی ۲:۲ کجاست آن کودکی که باید پادشاه یهود گردد؟ ما ستاره او را در سرزمینهای دوردست شرق دیده ایم و آمده ایم تا او را بپرستیم.

از تاریخ می خوانیم که مجوسیان به تنهایی سفر نمی کردند، و در این سفر احتمالاً گروهی سواره نظام با خود به همراه داشتند. حال تصورش را بکنید که هیروودیس زمانی با این گروه روبرو شد، که ارتشش را به خارج از کشور برای ماموریت اعزام کرده بود. متی ۳:۲ اما هیروودیس پادشاه چون این را شنید، مضطرب شد و تمام اورشلیم با وی.

نکته دیگری که باید از تاریخ بدانیم، لقب هیروودیس بود.

آگوستس قیصر، هیروودیس را به عنوان پادشاه یهود تاج گذاری کرد و این لقب را (یعنی پادشاه یهودا را) بعنوان یک تشویق به او داد. هیروودیس در حال مرگ بود و آگوستس هم بسیار پیر و سالخورده شده بود و با بازنشستگی **Tiberius**، ارتش روم عملاً بدون فرمانده شده بود.

ظاهراً بنظر می رسید که شرق شرایط را برای جنگ با روم آماده می دید و آمدن این مجوسیان برای یافتن یک پادشاه جدید نیز نگرانی آنان را تشدید کرد.

بله هیروودیس بشدت مضطرب بود و تمام اورشلیم با وی.

## ایمان مجوسیان به مسیح

حال سوال این است که آیا مجوسیانی که به اورشلیم آمدند انگیزه سیاسی داشتند؟

کلام خدا می فرماید که آنها در پی ملاقات عیسی برای پرستش او بودند و این نشان می دهد که انگیزه ملاقات آنها جنبه روحانی داشته.

مجوسیان حَقجو، عیسی را بالاتر از یک پادشاه زمینی می دانستند.

آنها عیسی را در برابر خود، مسیح خداوند، می ددند.

مسیحی که از دوران دانیال، انتظارش کشیده می شد.

ما اینجا با یک گروه مجوسی بت پرست روبرو نیستیم.

آنها یقیناً افراد خداترسی بودند که عیسی را مسیح نجات دهنده می دانستند.

نجات دهنده ای که قرار است آنها را از زیر سلطه روم آزاد کند.

آنها یهودیان را طرف خود می دیدند برای همین هم به محض ورودشان به اورشلیم از مردم سراغ پادشاه یهود را گرفتند.

شاید فکر می کردند که یهودیان برای یافتن پادشاهشان به همان اندازه آنها اشتیاق دارند.

اما پس از ورود به شهر، یهودیان را در برابر این حقیقت بی ایمان و نابینا یافتند.

خیلی جالبه که اولین کسانی که متوجه ورود پادشاه یهود به این دنیا می شوند، غیر یهودیان هستند.

متی با اشاره به سرگذشت مجوسیان، این گفته یوحنا را بگونه ای دیگر اشاره می کند که فرمود:

"او به نزد خاصانش آمد اما خاصانش او را نپذیرفتند."

البته با اضافه کردن این نکته که، غیریهودیان، مسیح خداوند را پذیرفتند.

حال گروهی از این مجوسیان در حالیکه سواره نظام آنها را اسکورت می کنند وارد اورشلیم می شوند.

کسانیکه پادشاه تعیین می کنند در جستجوی یک حاکم جدید می باشند.

شگفتی این حکایت در یادآوری این حقیقت است که تاریخ در کنترل خداست.

## خلاصه و نتیجه پیام

سالها پیش خدا شخصی به اسم دانیال را برگزید و در جایی قرار داد تا بر قلب و افکار کسانی تاثیر بگذارد، که در زمان مناسبی از تاریخ نجات بخش خدا، خودشونو به بیت لحم یهودیه برسانند.

متی با اشاره به حکایت پرستش مسیح توسط مجوسیانی که در مشرق زمین پادشاهان تربیت می کردند، توجه همه خوانندگان را به این حقیقت جلب می کند که عیسی مسیح حقیقتاً همان پادشاه موعود است که ظهور نموده تا گناهکاران را رستگار سازد.

اگر چه قوم یهود از هویت اصلی عیسی مسیح بعنوان ماشیح موعود غافل بود، اما خدا ترتیبی داد تا هنگام ظهورش افرادی باشند که از او تجلیل و پرستشی شایسته بعمل آورند.

مسیح خطاب به یهودیان فرمود:

متی ۹:۳ این سخن را به خاطر خود راه مدهید که پدر ما ابراهیم است زیرا به شما می گویم خدا قادر است که از این سنگها فرزندان برای ابراهیم برانگیزاند.

این پیام که دعوت نجات و پیوستن به ملکوت خدا برای همه مردم، اعم از یهودی و غیر یهودی است، در ابتدای انجیل متی با اشاره به ملاقات و پرستش عیسی مسیح توسط مجوسیان بوضوح آشکار می گردد.

پطرس در رساله خود همین موضوع را به گونه دیگر تائید می کند.

اول پطرس ۲:۶-۱۰ در کتاب آسمانی آمده است که خدا مسیح را خواهد فرستاد تا در خانه او، سنگ زاویه گرانبها باشد، و هر که به او ایمان بیاورد، نومید و پشیمان نشود. این «سنگ» برای شما که ایمان دارید، بسیار گرانبهاست، اما برای بی ایمانان همان سنگی است که در باره اش گفته شده: «سنگی که معماران دور افکندند، سنگ اصلی ساختمان گردید.» همچنین، در کتاب آسمانی آمده است: «او سنگی است که پای بعضی به آن می خورد و می افتند، و تخته سنگی است که بعضی از آن سقوط می کنند.» حشمان است که بیفتند و سقوط کنند، زیرا از کلام خدا اطاعت نمی نمایند. اما شما مانند آنان نیستید. شما برگزیدگان خدا، و کاهنان پادشاهان عیسی، و قوم مقدس و خاص خدا می باشید، تا به این ترتیب به دیگران نشان دهید که خدا چگونه شما را از تاریکی به نور عجیب خود دعوت نموده است. زمانی شما هیچ هویت نداشتید، اما اکنون فرزندان خدا می باشید؛ زمانی از رحمت و مهربانی خدا بی بهره بودید، اما حال، مورد لطف و رحمت او قرار گرفته اید.

کتاب مقدس می گوید که چشمان خدا هنوز هم در جهان گردش می کند تا افرادی را بیابد تا دلشان با او راست باشد.